

مهدویت و فرقه‌های انحرافی

مقدمه:

شیعه همچون پرنده‌ای است که دو بال دارد، یک بال سبز و یک بال سرخ؛ بال سبز این پرنده، همان مهدویت و عدالت خواهی اوست. شیعه امیدوار است و انسان امیدوار، شکست ناپذیر است. اما بال سرخ شیعه، شهادت طلبی است که ریشه در کربلا و عاشورای حسینی دارد و این مسأله شیعه را فنا ناپذیر کرده است.

رئیس دانشکده ارتباطات آمریکا می‌گوید با بررسی همه فرهنگ‌ها و ملل دنیا، به این نتیجه رسیده است که بزرگترین قدرت نرم جهان، در دست شیعیان است و آن چیزی نیست جز هیئت‌های حسینی. مردم دو ماه عزاداری می‌کنند؛ سیاه می‌پوشند و ۲۰ میلیون نفر در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند. مهدویت ظرفیت فوق‌العاده بالایی دارد؛ بنابراین طبیعی است که در این زمینه شاهد انحرافات باشیم. اصولاً وقتی بازار چیزی گرم است، جنس تقلبی آن هم از راه می‌رسد. در زمینه مهدویت، برای یک سودجو، اینکه خودش را امام یا متصل به امام معرفی کند، به صرفه است؛ چرا که اگر حتی یک درصد از جامعه منتظر را هم جذب کند، برایش کافی است.

دو تفکر در مهدویت:

■ تفکر مهدویت شخصی:

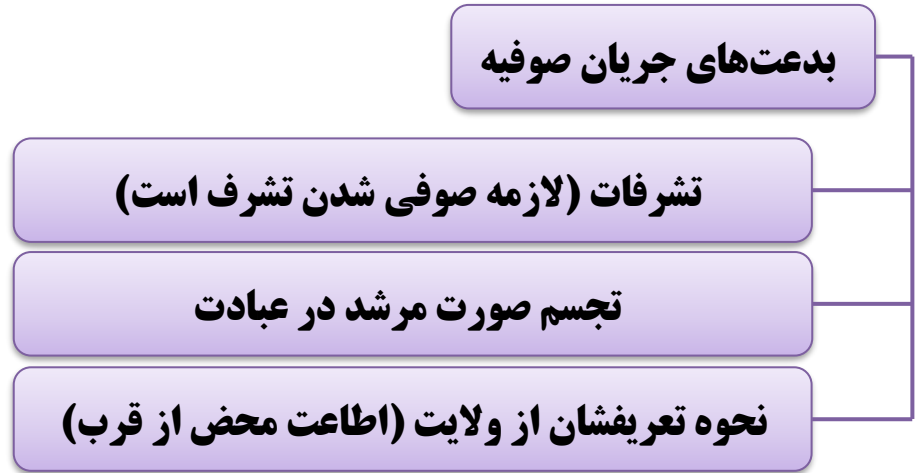
در این تفکر، مهدی موعود، منحصرأ فردی معین (امام دوازدهم) بوده و غیر از او هیچ شخص دیگری از انسان‌ها دارای چنین مقامی نیست.

■ تفکر مهدویت نوعیه:

این تفکر اعتقاد افرادی است که مسئله مهدویت را مقامی می‌دانند که در هر عصری در یک انسان کامل قرار دارد و این فرد می‌تواند هر شخصی باشد. «جریان صوفیه» از جمله معتقدین به این تفکر هستند. حسن بصری (یک شخص به ظاهر مومن اما به شدت ضد انقلابی) پایه‌گذار جریان صوفیه در اواخر قرن اول هجری است، او کسی است که حکومت امام علی را به هیچ عنوان قبول نمی‌کرد. ابوهاشم کوفی، فردی است که رسماً صوفیه را بنیان‌گذاری کرد و این جریان را در زمان امام صادق (ع) تشکیلاتی کرد.

امام رضا (ع) می‌فرمایند: «هرکس نزد او از صوفیه سخن به میان آید و به زبان و دل انکار ایشان نکند، از ما نیست و هرکس صوفیه را انکار نماید، گویا این که در راه خدا در حضور رسول خدا (ص) با کفار جهاد کرده است.» (سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۷)

شاه نعمت الله ولی، اولین کسی بود که صوفیه را وارد تشیع کرد. به همین دلیل صوفی‌های ایرانی را نعمت‌اللهی می‌گویند.



گنابادیه (تهران، گناباد، مشهد، یزد، بروجرد و بجنورد)؛ ذهبیه (شیراز)؛ نور بخشیه (کرمان)؛ خاک‌ساریه (همدان)؛ از جمله فرقه‌های فعال صوفیه در ایران هستند.

ویژگی‌های جریان‌های انحرافی:



کنجکاوی، عنادهای شخصی، غفلت، دوری از روایات، اعتماد به نفس پایین، داشتن نگاه منفی نسبت به همه چیز و عوام‌زدگی؛ از جمله علل جذب افراد به فرقه‌های انحرافی می‌باشد.

شهید مطهری می‌فرمود: «عوام‌زدگی از سیل‌زدگی، زلزله‌زدگی، مار و عقرب زدگی بالاتر است.»

عموماً جوامعی که بیش از حد احساساتی هستند و یا جوامعی که فقط سیاه‌نمایی می‌کنند؛ این فرقه‌ها را در بین خود می‌پذیرند.

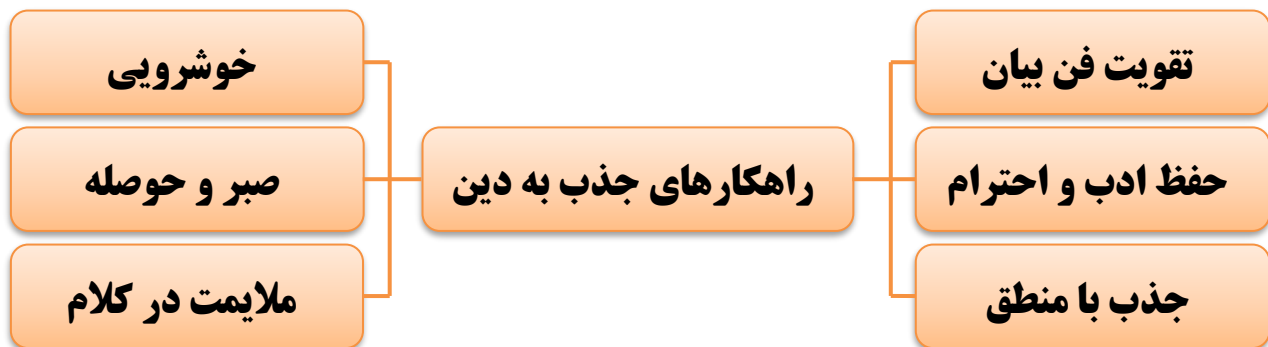
انواع ادعاهای انحرافی



تبلیغ دین:

بسیاری از افراد، با وجود علم به مضرات نوشابه، به خاطر لذتی که دارد، آن را مصرف می‌کنند. بسیاری از افراد نیز، به خاطر هیجاناتی که فرقه‌های انحرافی، در این محیط‌ها ایجاد می‌کنند، جذب آنها می‌شوند؛ و نه به خاطر درک و فهمی که با تحقیق به آن رسیده باشند.

بهترین راه تبلیغ دین این است که متدینین طوری رفتار کنند تا دیگران از دیدن زندگی آنها لذت ببرند. خداوند به برترین بندگان خود، بهترین نعمت‌ها، یعنی تبلیغ دین را اهدا کرد؛ چرا که چیزی بهتر از آن وجود نداشت. این هدیه را به ما هم داده‌اند و باید قدرش را بدانیم.



همانگونه که خداوند به حضرت موسی می‌فرماید: «**بسوی فرعون بروید، که طغیان کرده است! اما به نرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد!**» (طه/۴۳-۴۴)

تدریس استاد حاجی آقازاده

موضوع: مهدویت و فرقه‌های انحرافی

خلاصه و چکیده مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی معارف مهدویت

تهیه شده در واحد مهدویت موسسه مضاف، مهدیاران @Mahdian